



سلسله کتب آموزشی ویژه عمره دانشجویی

(۱)

نسیم تفاهم

• راهبردها و روشها

نگارش:

دکتر مصطفی عباسی مقدم



اسم کتاب: نسيم تفاهم (راہبردها و روشہا)

مؤلف: دکتور مصطفى عباسی مقدم

ناشر: فقاہت

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۸۶

تیراژ: ۵۰۰۰

چاپخانہ: ستارہ

شابک: ۸ - ۳۷ - ۷۹۱۱ - ۹۶۴

نسیب تفاهم

- پیشگفتار

فصل ۱- مقدمات تفاهم (مباحث مقدماتی)

- اهمیت گفت و گو و ارتباط میان مسلمانان
- اجتماع حج و عمره، تجلی همگرایی اسلامی
- پیشتازی تشیع در همه عرصه ها
- سال پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) و ماموریتی جدید
- فراگیری زبان، مهمترین ابزار ارتباط و تفاهم
- آرایش جبهه فرهنگی
- تبلیغ رحمانی و تزیین شیطانی

فصل ۲- استراتژی تفاهم (راهبردهای تفاهم)

- الف - ضرورت شناخت مخاطبان و دیدگاههای آنان
- ب - اولویت طرح مباحث سیاسی، اجتماعی نسبت به مباحث عقیدتی
- ج - تأکید بر وحدت و تفاهم راهبردی به جای وحدت عقیدتی
- د - اولویت تبلیغ عملی

فصل ۳- روش ها و ابزارهای تفاهم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای تحقق دو اصل ارتقاء محوری و آموزش محوری در کلیه برنامه ها، اقدامات متعددی را در دستور کار خود قرار داده است که یکی از آنها، تهیه و تدوین جزوات و کتب آموزشی ویژه سفر عمره دانشجویی می باشد. این اقدام، نخستین گام در راستای ارتقای کیفی سفر معنوی عمره است که هر ساله بخشی از دانشجویان علاقمند دانشگاهها را تحت پوشش قرار خواهد داد.

آشنایی هر چه بیشتر دانشجویان با فضای ظاهری و معنوی عمره و مشاهد مشرفه، اطلاع از مبانی فکری و اعتقادی و شناخت احکام و آداب مربوط به حج و عمره و نیز آشنایی با فضای دینی، اجتماعی و سیاسی سرزمین عربستان و تحولات عمده جهان اسلام، موضوعات برجسته این مجموعه را تشکیل می دهند.

امید است این مجموعه که در قالب

«سلسله کتب آموزشی ویژه عمره دانشجویی»

تنظیم شده است مورد استقبال و بهره برداری دانشجویان و سایر علاقمندان مباحث عمره و سفرهای مذهبی قرار گیرد. در خاتمه، اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از هر گونه پیشنهاد و نقد خوانندگان فرهیخته و ژرف اندیش استقبال می کند.

با آرزوی توفیق الهی

اداره کل فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پیشگفتار

خدای را سپاس می‌گوییم که فرصت و عشق پرستش خود را به بندگان بخشید و مناسک حج و عمره را به منظور پالایش روح و روان آدمی بدو عطا کرد. حج و عمره دو فرصت بسیار استثنایی برای حرکت و جنبش قوای درونی در راه وصول به درجات عالی انسانی است و مهمتر این که این تحرک روحی همراه با حرکت و تکاپوی بیرونی و جسمی نیز همراه می‌باشد و این از ویژگیهای برجسته این مناسک به شمار می‌رود. حاجی را دستور داده اند که بکوشد و ره بپوید و طواف و سعی کند و پروانه وار گرد خانه یار بچرخد تا در این چرخش و جنبش ناخالصی‌ها از گوهر وجود او کنده و زدوده شود و نهال کمالش به دور از خس و خاشاک بروید.

از جمله ویژگیهای جالب توجه این سفر مادی و معنوی و مناسک عبادی، امکان دیدار هم‌کیشان مسلمان و همگنان با ایمان از هر ملیت و نژاد و مذهب و قومیت است و کیست که نداند در ورای این واقعیت، حقیقتی نهفته و آن منافی است که در سایه ارتباط، تعارف و تعامل میان قشرها و ملت‌های مسلمان حاصل تواند شد. ﴿لِشَهْدَا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾. و کیست که به این حقیقت اعتراف نکند که جوانان ملت ما

با روحیه ای شاداب و ابتهاج ناشی از نفوذ ایمان در قلبهایشان، به ویژه در صحنه های فرهنگی و علمی آماده اثبات باورها و ارزشهای خویش و رویارویی اندیشمندان با باورهای فرهنگ سلطه و لیبرالیسم جهانی هستند و با شناخت اندیشه ها و مکاتب و تسلط بر زبان گفت و گوراه دیالوگ منطقی بین مذاهب، گرایشها و فرهنگها را ادامه می دهند. امید که این نسیم تفاهم همه آفاق را درنوردد و جانهای هدایت جو را بنوازد.

در این نوشتار برآنیم تا برای آمادگی بیشتر دانشجویان گرامی برای ارتباط هدفمند و موثر با مسلمانان سایر کشورها، یادآوریهها و نکاتی را طرح و توجه علاقمندان این عرصه را بدان جلب نماییم. سعی ما بر آن خواهد بود که آنچه گفتنی است در قالبی گویا و الفاظی مختصر عرضه و از تفصیل پرهیز شود.

((آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

نکته ها هست بسی محرم اسرار کجاست))

فصل اول:

مقدمات تفاهم

الف - اهمیت گفت و گو و ارتباط میان مسلمانان:

بی تردید منافع برخی قدرتهای سلطه گر در آن است که ملتها و به خصوص پاره های مختلف امت اسلامی از یکدیگر جدا و متفرق باشند. بارزترین جلوه این سیاست را در تلاش استعمار در تقسیم و تجزیه امپراطوری عثمانی به کشورهای کوچک و ضعیف در سده های اخیر شاهدیم. این توطئه استعماری در برنامه های رسانه ای نیز آثار خود را داشته به طوری که با وجود عصر اطلاعات و گسترش دستگاههای ارتباطی و اطلاع رسانی، ملت‌های مسلمان از احوال اجتماعی و فرهنگی یکدیگر غافل هستند و بیشتر از آنکه هم کیشان خود را بشناسند، کشورهای غربی را می‌شناسند و در نتیجه طرف اصلی ارتباطات فرهنگی و عملیشان نیز جز کشورهای غربی نیست، کافی است تعداد کتب ترجمه شده از کشورهای غربی و کشورهای اسلامی را با کتب غربی ترجمه شده در ایران مقایسه کنید. اما از طرفی توصیه قرآن به مسلمانان، تأکید بر ارتباط همه جانبه،

رسیدگی به امور یکدیگر و همراهی و همدردی است. آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می گوید:

﴿يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله ...﴾

ای مؤمنان استقامت بورزید و یکدیگر را به صبر وادارید و با یکدیگر مرتبط باشید و از خدا پروا کنید... و در سوره عصر به توأسی به حق و صبر سفارش می کند که اشاره به مسؤولیت متقابل مؤمنان نسبت به یکدیگر دارد و نیز در روایتی مشهور پیامبر فرمود: هرکس صبح را شب کند در حالی که اهتمام و توجه به امور مسلمانان ندارد مسلمان نیست.

در این حال، آیا شایسته است مسلمانان از وضع تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یکدیگر بی خبر باشند و در نتیجه کمترین رفت و آمد و دیدار از یکدیگر را تجربه کنند و حتی بنا به توصیه برخی در موسم حج نیز از ارتباط با دیگران پرهیز نمایند؟! آیا شایسته است که مسلمانان فلسطین و افغانستان و عراق زیر سخت ترین انواع تحقیر و شکنجه باشند و سایر مسلمین حتی در مورد سختیهای آنان گفت و گو نکنند؟ آیا شایسته است که آشکارترین حقوق برخی ملتها مانند حق ملت فلسطین در تشکیل دولت و حق ملت ایران در انرژی هسته ای از طرف نظام سلطه، نادیده گرفته شود و دیگر اعضای پیکره اسلامی ساکت باشند. مگر پیامبر عزت و رحمت نفرمود:

«مثل المؤمنین فی توأهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الجسد إذا اشتکی عضو منها تداعی له سائر الجسد بالسهر»

والحمی»، «مثل مؤمنان مانند پیکری است که چون عضوی از آن دردمند شود سایر اعضای به همدردی و حمایت از او دچار تب و بی خوابی می شوند.»

از طرف دیگر ما در دورانی زندگی می کنیم که با وجود بر طبل جنگ کوبیدن سلطه گران، اکثریت فرهیختگان و اندیشمندان عالم مشتاق گفت و گوی منطقی و تعامل احترام آمیز تمدنها و فرهنگها و ادیان و مذاهب هستند. اگر امت اسلامی می خواهد الگوی مناسبی برای سایر ملتها در ترویج فرهنگ تبادل، تعامل و گفت و گو باشد، چگونه نمی تواند شاهد یک دیالوگ آرام، مستدل و مهرورزانه میان اجزای مختلف خود یعنی مذاهب اسلامی باشد؟ چرا مسلمانان خاطره مناظرات گسترده اولیه اسلام را میان ارباب مذاهب و حتی ادیان مختلف در مرکز حکومت اسلامی به فراموشی سپرده اند؟ چرا باید رویه تسامح و مدارا که جزیی از تعالیم اسلامی است در میان خود مسلمانان جاری نباشد؟

ب - اجتماع حج، تجلی همگرایی اسلامی:

شکی نیست که حج عظیم ترین کنگره دینی در سطح جهان است که سالانه میلیونها انسان خداجو و پرستشگر را در خود گرد می آورد تا ضمن تقرب به خدا، با هم بودن و همراهی و هماهنگی را تجربه کنند تا به تعبیر قرآن شاهد منافع همه جانبه خویش باشند:

- ﴿و اذن فی الناس بالحج یأتوک رجالاً و علی کل ضامر یأتین من کل فج عمیق﴾ (حج - ۲۷ و ۲۸)
- ﴿لیشهدوا منافع لهم و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات﴾

و در محل اجتماع و مرکز امنیت و آرامش گردآیند:

- ﴿واذ جعلنا البیت مثابة للناس وامناً واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی﴾ (بقره - ۱۲۵)

برای تحقق آرمان دو آیه آسمانی فوق چه باید کرد. آیا با نشستن و سکوت کردن و از یکدیگر بیگانه و بی اطلاع بودن، منفعتی حاصل شده و امنیت و آسایش برای مسلمین حاصل می شود؟ یا باید با تکیه بر این پیام حرکت آخرین قرآنی در پی حل مشکلات جهان اسلامی و بلکه کارگشایی برای همه محرومان و ستمدیدگان عالم بود.

در اجتماع بی نظیر حج و نیز در عمره که انبوهی از مسلمانان حضور می یابند می توان شاهد نمایندگانی از همه نژادها، رنگها، قاره ها و سرزمینها و نیز مذهبها و مرامهای مختلف بود که هریک با شرایطی ویژه اما با نگاه و نیت و انگیزه ای مشترک به سوی کانون توحید پرگشوده اند و سرگشته کوی یار شده اند. در این مجمع ایمانی، ایرانی و عراقی، بنگلادشی و هندی، پاکستانی و آفریقایی، نیجریه ای و ساحل عاجی، مصری و الجزایری، تونسسی و مراکشی و سیلانی و ترک همه جمع هستند. به این ندا توجه کنیم: ﴿یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکروانثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم﴾.

پس ما را به خاطر تعارف (هم شناسی) و ارتباطات انسانی هدفمند و خدامحور، با ملیت ها و قبیله ها و حالات مختلف آفریده اند و باید در اندیشه شناخت و یاری و همدردی با یکدیگر باشیم. هر یک پاره ای از پیکر بزرگ اسلام هستیم و سرنوشت یک بخش از سرنوشت مابقی جدا نیست.

ج - پیشتازی تشیع در همه عرصه ها:

سالها و قرن‌ها از پاسخگویی اسلام به همه نیازهای بشر دم زدیم. اما اکنون فرصت طلایی اثبات این نظریه فراهم شده است. بدبینان و بدخواهان اسلام از هر سو و با هر وسیله سعی در تخریب چهره این آیین سراپا انسانی و فطری و تضعیف توانایی آن دارند و مسلمانان حقیقی - به دور از افراطهای طالبانی و تفریطهای صوفیانه - در جهت اثبات این توانایی و تحکیم خودباوری و بیداری اسلامی می‌کوشند. جمهوری اسلامی به عنوان مهد شیعه پیشرو برای تسهیل این روند، تلاش در جهت پیشرفتهای عرصه‌های علمی، فرهنگی، صنعتی و اقتصادی و جهانی را پی‌گیری می‌کند تا نشان دهد صنعت و مدرنیته نه تنها پدیده ای منفی نیست بلکه می‌تواند ابزاری موثر برای پیاده کردن اندیشه‌های متعالی دینی باشد و مسلمانان، شایسته‌ترین ملتها برای دستیابی به دانش ها و فناوری های نو و برترند. و این، حقیقتی است که بسیاری از مسلمانان جهان تشنه یافتن راهی و روشی برای اقتدا به آن هستند. این همان مسؤولیت جوان شیعه ایرانی است که همانگونه که مقتدایش

علی باب مدینه العلم نبی است، دروازه ورود دانش فناوری به جهان اسلام باشد و کلید سعادت، رفاه و توانمندی اقتصادی و صنعتی را به رغم بدخواهان و دشمنان به دست گیرد.

د - سال پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و مأموریتی جدید:

به بهانه سالی که به نام مبارک پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) مزین شده است، مناسب است به تلاشهای مسؤولانه و دلسوزانه پیامبر در جهت یاری هموعان از طریق آگاهی بخشیدن و روشنگری اشاره کنیم. ابتدا به مضمون آیه ۱۲۸ سوره توبه توجه کنیم:

«به راستی رسولی از بین خودتان برایتان آمد که رنج شما بر او گران است و بر هدایت شما حریص و نسبت به مومنان مهربان و صمیمی است».

مورخان نمونه های زیادی از همت بلند پیامبر در راهنمایی، کارگشایی و کمک به مسلمانان و بلکه همه مردمان ذکر کرده اند. طبری می نویسد:

«پیامبر از ورود هیچ تازه واردی از عرب که دارای نام و شرافتی بود مطلع نمی شد مگر آن که نزد او می رفت و دعوت خویش را به او عرضه می کرد»^۱.

همچنین مؤلف «الطبقات الکبری» نشاط و فعالیت هدایتگرانه پیامبر را چنین ترسیم می کند:

«پیامبر هر سال در هنگام موسم حج، به منزلگاههای

۱- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۲۰۴.

حجاج در عکاظ، مجنه و ذی المجاز وارد می شد و آنان را به حمایت از خویش به منظور ابلاغ رسالت الهی می خواند و در برابر، وعده بهشت می داد و حتی از قبایل گوناگون سراغ می گرفت و خطاب به آنان می گفت: «ای مردم بگوئید، معبودی جز الله نیست تا رستگار شوید و تمام عرب و عجم را زیر حاکمیت خود درآورید»^۱.

جنب و جوش و تلاش پیامبر را از زبان انس بن مالک بشنوید:

«عادت پیامبر این بود که مریض را عیادت می کرد و به تشییع جنازه می رفت و حتی دعوت عبد را به مهمانی اجابت می فرمود»^۲.

توجه عمیق پیامبر به ترویج رحمت و مهرورزی نیز شنیدنی و ستودنی است. بنا به نقل مورخان، پیامبر دو بار اقدام به عقد اخوت میان مومنان کرد تا همه ریشه های کینه و تهمت و نیرنگ و جدایی و سخن چینی و دروغ را خشکانده و بذر عطوفت، محبت، همدردی و همیاری پاشیده شود. همچنین در برابر حق ناپذیریها و عیب جویی ها و برخوردهای عنادآمیز نهایت سعه صدر و گذشت را نشان می داد، ابن هشام در سیره النبی چنین می نویسد:

«علماء و احبار یهود، بسیار از پیامبر پرسشهای عیجیوانه و معاندانه می کردند و شبههاتی به منظور خلط حق و باطل

۱- محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲- جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، ص ۲۶۲.

مطرح می نمودند و پیامبر با رهنمود قرآن به طور کامل پاسخ آنها را می داد.^۱

اما او در برابر این لجاجت ها هرگز بی حوصله نمی شد و می فرمود:

«ان الله ارسلنى مبلغاً و لم يرسلنى متعنتاً» خدا مرا به عنوان مبلغ و پیام رسان فرستاده نه به عنوان عیبجو و سرزنشگر.^۲

و بنا به نوشته یک نویسنده عرب:

«اگر این رفیق و مدارا نبود، احساسات دلها پیرامون او گرد نمی آمد و اگر این بردباری و حلم زایدالوصف و صمیمیت و تواضع با مردم نبود، هرگز این تاثیر در نفوس امکان پذیر نمی گشت.»^۳

هـ - تبلیغ رحمانی و تزئین شیطانی:

هرچند پیام رسانی و ابلاغ آگاهی ها به مردمان اعم از هم کیش و غیره، رسالتی سترگ است اما هرگز نباید به عرضه هر پیامی بدون دقت در محتوای آن بینجامد. آموزه های دینی میان تبلیغ و تزئین تفاوتی اساسی قایل است و تبلیغ را امری خدایی و مقدس و تزئین را کاری شیطانی برمی شمرد.

۱- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲- متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۳۳.

۳- عبداللطیف راضی، المنهج الحرکی فی القرآن، ص ۱۹۴.

- محتوای تبلیغ، حقیقت، هدایت و رحمت است و آنچه خدای تعالی نازل فرموده، ﴿یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک﴾ «ای رسول ابلاغ و بیان کن آنچه از سوی خدایت به تو نازل شده است.» و نیز رسالتها و پیامهای الهی بایستی تبلیغ شوند، ﴿الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه﴾ «کسانی که رسالتهای الهی را می رسانند و تنها از او خشیت دارند.»

- اما محتوای تزیین، هوای نفس و عمل سوء است. ﴿زین لهم الشیطان اعمالهم﴾ همانگونه که شیطان اعمال ناپسند را در چشم افراد نیکو جلوه می دهد و با ظاهرسازی آنان را می فریبد.

در روایت جالبی، پیامبر خود را مبلغ و شیطان را مزین معرفی می کند: بعثت داعیاً ومبلغاً... و خلق ابلیس مزیناً...^۱. در تزیین، بدون توجه به عمق و باطل یک امر، آن را به دیگران دیکته می کنند، اما مبلغ تنها درصدد ترویج حق و حقیقت است و به باطن امر بیش از ظاهر آن توجه دارد و روشن است که صاحب متاع نیکو و مفید نیازی به تزیین ندارد. باید توجه داشت که بلاغ و تبلیغ مهمترین و کلیدی ترین مأموریت انبیاست؛ ﴿وما علینا الا البلاغ المبین﴾ (۱۷) یس) و پیروان آن ها نیز در این عرصه بر اساس ظرفیت و توانایی و دانش خود مسؤولیتی مشابه در جهت تبلیغ رسالتهای رحمانی دارند که بایستی بدون هرگونه هراس و

۱- محمدی ری شهری، التبلیغ فی الکتاب و السنه، ص ۳۵.

کوتاهی بدان پردازند و خدا خوب حسابرسی است. ﴿و کفی بالله حسیباً﴾.

و - آرایش جبهه فرهنگی:

پس از پایان دوران جنگ سرد، دستگاه سلطه قطعاً در پی یافتن دشمن یا رقیبی سرسخت اما شکست پذیر بودند و از طرفی شعارها و ارزشهای برآمده از انقلاب اسلامی را جدی ترین چالش آینده خویش می شمردند. پس به جبهه گیری و رویارویی با اسلام ناب محمدی به عنوان زنده ترین و مؤثرترین رویکرد دینی - معنوی در عین حال سیاسی، اجتماعی جهان معاصر پرداختند. بر این اساس، ریشه اکثر اختلافات و درگیریهای فکری، سیاسی و مذهبی امروز در جهان اسلام و بیرون آن به شکلی به طراحیهای استکبار جهانی بازمی گردد که درصدد بازسازی ساختار قدرت در جهان به نفع خود است. مقابله همه جانبه و سرسختانه دستگاه تبلیغی و رسانه‌ای غرب با اسلام به ویژه اسلام مبارز و بنیادگرا و تمرکز سؤال برانگیز قدرتهای غربی بر محدود نمودن قدرت سیاسی اقتصادی و حتی علمی جمهوری اسلامی در این راستا تفسیر می شود.

اما این واقعیت جای تأسف دارد که علی رغم این صف آراییی آشکار و گستاخانه علیه جهان اسلام، در درون جوامع اسلامی پدیده های شومی - آن هم تحت تأثیر القاء بیگانگان - همچون طایفه گرایی، قومیت گرایی و تعصبات فرقه‌ای مشاهده می شود که چیزی جز آب به آسیاب دشمن

ریختن نیست.

بنابراین، در برابر جهت گیری اسلامی، اصلاحی، حکمت آمیز و خشونت گریز جمهوری اسلامی دو جبهه به رویارویی پرداخته اند:

۱- جبهه غرب که دائماً در حال توطئه و کارشکنی در برابر مسلمانان در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تبلیغاتی است.

۲- جبهه فرقه گرایی و تندروی جهان اسلام که با سوء استفاده از نا آگاهی و تعصب توده های مسلمان، هر از گاهی به شکلی در گوشه ای از جهان با تحرکات مشکوک، نه تنها کمکی به حرکت کلی جهان اسلام نمی کند بلکه دشواریها و نابسامانیهایی را برای ابناء امت اسلامی پدید می آورد.

برخورد اصلاحگرانه با این جریان دوم در کنار مبارزه همه جانبه با جریان نخست بیش از هر چیز صبغه فرهنگی و علمی دارد که جز با همراهی و همفکری تمام آگاهان، فرهیختگان، دانشمندان و دانش پژوهان مسلمان میسر نخواهد شد. پس وظیفه اسلامی همه اهل قلم و دانش و فرهنگ است که در این مسیر با تقویت ارتباطات و گسترش فرآیند آگاهی بخشی مردم مسلمان بیش از پیش بکوشند.

ز - فراگیری زبان، مهمترین ابزار تعارف و ارتباط:

تردیدی نیست که زبان و کلام مهمترین راه ارتباط و تعامل انسانهاست و گاهی یک سخن بیش از هزار گلوله تاثیر دارد.

«رب کلام انفذ من سهام»، چه بسا سخنی که از تیرها برنده تر است^۱

البته این سخن سعدی نیز صحیح است که:

زبان بریده به کنجی نش سته صم بکم
به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

لکن در جای دیگر می گوید:

به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی

به هر حال، انسانی که از اندیشه های غنی و آرمانی متعالی برخوردار است. لاجرم نیازمند زبان گویایی است که ترجمان اعتقاد او برای دیگران باشد. لذا توصیه کرده اند که زبانهای مختلف را بیاموزید تا جهان و جامعه دیگران را تجربه کنید و عرصه زندگانی خود را گسترش دهید. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که:

«تعلموا العربیة فانها کلام الله الذی یکلم به خلقه»،
زبان عربی را بیاموزید که سخن خداست که با آن با مردم سخن می گوید.

نیز از معصومان نقل شد، که فرمودند:

«من تعلم لغة قوم امن شهم»، هرکس زبان قومی را

۱- علی (علیه السلام)، غررالحکم، ۵۳۲۲.

بیاموزد از شرشان در امان خواهد ماند.

بنابراین از هر زاویه به زبان آموزی بنگریم امری مفید بلکه لازم به نظر می آید. آشنایی با زبان دوست، انسان را در همزیستی کمال جویانه و رو به رشد یاری می رساند و با دانستن زبان خصم نیز ضمن دریافتن دانش او امکان مواجهه با او را فراهم می سازد.

از طرفی یقیناً یادگیری زبان غیرمادری مانند عربی چه زبان دینی و فرهنگی باشد و چه مانند زبانهای لاتین، زبان صنعت و سیاست باشد در دوران جوانی میسرتر و مؤثرتر خواهد بود.

در بسیاری موارد مشاهده شده که زائران ایرانی به ویژه دانشجویان و جوانان پس از حضور در موسم الهام بخش حج و عمره، از این که نمی توانند با دیگران ارتباط کلامی برقرار کنند در حسرت می باشند. برای این که از این دسته نباشیم شایسته است قبل از تشریف به این سفر، قدری برای زبان آموزی تلاش کنیم.

فصل دوم:

استراتژی های تفاهم:

پیش از بیان موضوعات قابل طرح در ارتباطات سفر عمره شایسته است راهبردهای مهم و اساسی این عرصه را تبیین نماییم. این راهبردها عبارتند از:

الف - ضرورت شناخت مخاطبان و دیدگاههای آنان:

باید توجه داشت که مخاطبان شما در عمره و حج، طیف وسیعی از مسلمانان را شامل می شود که از کشورهای مختلف با فرهنگها و مذاهب و سلیقه ها و آداب گوناگون در یک مکان مقدس اجتماع می نمایند و ارتباط با آنها مستلزم شناخت افکار، روحیات و آداب آنها می باشد و چه بسا اگر دیدار و ارتباط بدون توجه به این نکات صورت گیرد نتیجه معکوس به بار آورد. دوستی به شوخی می گفت که در مسجدالحرام به فردی که در کنارش نشسته به عنوان شروع سخن پس از سلام گفته است: هل انت مسلم؟! در این خصوص نکاتی را به اختصار می آوریم.

* زائران کشورهای عربی - آفریقایی مانند مصر، الجزایر، تونس، مغرب به ویژه سودان (که معمولاً پیراهن بلند جلوپسته و یقه هفت با رنگهای روشن ملایم غیر سفید به تن می کنند) دارای روحیه نزدیک به ایرانی ها در برخورد و خونگرم و اهل گفت و گو و نسبت به سایر عربها صمیمی تر می باشند. ایشان متمایل به تفاهم بوده و می توان به راحتی با آنان درباره مسایل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صحبت کرد. البته گاهی پرسشهای عقیدتی و اختلافی نیز مطرح می کنند که نحوه پاسخ آن بیان خواهد شد.

* زائران کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان (که با پیراهنهای سفید بلند موسوم به دشداشه و چفیه قرمز و سفید از دیگران متمایزند) دارای روحیه بسته و کم انعطاف در برخورد اولیه بوده و کمتر مایل به گفت و گو در مباحث سیاسی و فرهنگی می باشند. در عین حال به محض شروع ارتباط، انتقادات و شبهاتی درباره تشیع و اختلافات شیعه و سنی مطرح می کنند و اغلب به خاطر تعصب مذهبی، پذیرای استدلال و پاسخهای قانع کننده نیستند. برخورد نیکو و برادرانه و قدری تحمل و سعه صدر میتواند تفاهم نسبی با این گروه را حتی در مباحث عقیدتی میسر گرداند.

* زائران کشورهای سوریه، اردن، فلسطین و عراق (که لباسهای تلفیقی عربی و جدید می پوشند) در مباحث سیاسی قرابت بیشتری با جمهوری اسلامی داشته و نسبت

به سایر عربها شبهات و ابهامات کمتری نسبت به تشیع و جمهوری اسلامی دارند و می توان با آنان مباحث هدفدار و مؤثر در زمینه های سیاسی و فرهنگی در جهت وحدت اسلامی و اقتدار مسلمانان عنوان کرد.

* زائران کشورهای شبه قاره شامل هند، پاکستان، بنگلادش، سیلان (که پیراهن بلند و شلوار به رنگهای متنوع می پوشند) و کشورهای جنوب شرق آسیا شامل اندونزی، مالزی، فیلیپین، چین و تایلند (که لباسهای ساده شامل پیراهن یقه گرد و شلوار و بعضاً دامن به تن می کنند و زنانشان با لباسهای سراسر سفید مشخص می شوند) عموماً دارای روحیه ای ملایم و با محبت و مودب و البته ساکت و منفعل می باشند و با زبان انگلیسی و بعضاً عربی می توان با آنها گفت و گو کرد. این گروه حساسیت چندانی نسبت به مباحث عقیدتی و اختلافی ندارند و بهتر است با طرح مباحث حیاتی و مشکلات جهان اسلام، ضمن کسب اطلاع از دیدگاههای آنان درباره اوضاع کنونی مسلمانان و مواضع جمهوری اسلامی، پاسخ لازم به ابهامات آنها داده شود و راههای عملی همگرایی اسلامی تبلیغ شود.

- مسلمانان کشورهای ترکیه و آسیای میانه (با لباسهای سنتی بلند و کلاه و بعضاً با لباس رسمی) که با زبان ترکی استانبولی و روسی می توان با آنها گفت و گو کرد عموماً اطلاعات زیادی از احکام و مباحث دینی ندارند و در صورت

امکان ارتباط می توان با ایشان در خصوص اهمیت پیاده کردن اسلام در همه شؤون جامعه و بازگشت به اسلام اصیل به ویژه در نحوه اداره و حکومت اسلامی گفت و گو نمود.

ب - اولویت طرح مباحث سیاسی و اجتماعی نسبت به مباحث عقیدتی:

ارتباط و گفت و گو در صورتی موفق خواهد بود که مباحث آن مورد علاقه طرفین بوده و این دیدگاهها در نتیجه تبادل نظر به هم نزدیک شده و نتیجه ای در پی داشته باشد. اهمیت و فوریت مباحث سیاسی و اجتماعی به علاوه حساسیت اوضاع فعلی جهان اسلام و توطئه های پی در پی دشمنان همگی از عوامل اولویت این گونه مباحث به شمار می روند. ارتباطی که هدف آن تفاهم و اتحاد است با یک گفت و گو و آشنایی شروع و با کسب اطلاع از اوضاع اجتماعی، دینی و سیاسی کشور مخاطب ادامه می یابد و در نهایت مباحث مهم در زمینه های فکری، عقیدتی را نیز شامل می شود. تجربه نشان می دهد که طرح مسایل و مشکلات از قبیل تجربه های اجتماعی و سیاسی و فعالیتهای دینی و آموزشی، نحوه ارتباط و تعامل حکومت و مردم، وضعیت دین و سیاست و ارتباط مردم و علما، موجب همدردی و بعضاً همکاری های آینده در برخی زمینه ها می شود. در حالی که تجربه نشان داده است که طرح ابتدایی مباحث عقیدتی و اختلافی نه تنها منجر به همکاری

و همراهی نمی شود بلکه گاهی پشیمانی از ارتباط و تنفر به بار می آورد که دلایل آن را می توان این گونه معرفی کرد:

۱- تعصب اکثر مخاطبان بر عقاید مذهبی خویش و عدم امکان فرض عقیده مخالف.

۲- عدم وجود فرصت کافی جهت مباحث گسترده و نتیجه بخش به خاطر کوتاه بودن اکثر ملاقاتها.

۳- کم اطلاع بودن اکثر مخاطبان که اجازه عمق بخشیدن به مباحث را نمی دهد.

البته این اولویت به معنی بی پاسخ گذاشتن سؤالها و شبهه های مطرح شده از سوی مخاطب نیست. بلکه در صورتی که سؤالی مطرح شود باید حتی الامکان پاسخ در خور داده شود. به عنوان نمونه اگر در ضمن مباحث سیاسی سخن از تخریب مرقد عسکریین به میان آمد و احساس شد که احترام و تقدس این گونه اماکن برای او جای سؤال است حتماً باید در ضمن بحث دلیل احترام مرقد امامان تبیین گردد. به ویژه در مورد مخاطبان فرهیخته و بانفوذ شایسته است مباحث عقیدتی به خوبی شکافته و تحلیل شوند و حتی منابعی در اختیار قرار داده شود.

ج- تأکید بر وحدت و تفاهم راهبردی به جای وحدت عقیدتی:

شاید بسیاری از مخاطبان نتوانند مرز میان وحدت عملی و وحدت عقیدتی را دریابند که لازم است این موضوع برایشان تبیین گردد. عوامل بسیاری موجب پیدایش و

گسترش مذاهب مختلف گشته که در اینجا قابل بحث نیست. تاریخ نشان می دهد که تلاشهایی برای وحدت جبری مذاهب صورت گرفته مانند اقدامات مأمون در گردآوری علمای مذاهب مختل اما چندان توفیقی نداشته است. آنچه در شرایط فعلی مسلمین مهم و ممکن است تلاش برای نزدیک کردن سیاستها، موضع گیری ها و برخوردهای سیاسی، نظامی و اقتصادی در موضوعات مختلف است و لازمه این تفاهم عملی، وحدت در عقیده و مذهب نیست، چرا که مشترکات مذاهب اسلامی به اندازه ای هست که بتوان با تکیه به آن، برنامه ها و تصمیمها و مواضع مشترک اتخاذ کرد.

آنچه موجب اهمیت بیشتر این راهبرد می شود اتحاد استراتژیک جبهه استکباری در مواجهه همه جانبه با اسلام و قدرت مسلمانان است که هر روز موجب بروز توطئه و دسیسه ای جدید می گردد.

د- اولویت تبلیغ عملی:

مطابق آموزه های قرآنی و حدیثی، بیشترین تأکید بر ضرورت تبلیغ عملی و اثربخشی آن شده است. اسلام دینی است که برای عقیده یا گفتار بدون عمل ارزش چندانی قایل نیست. چرا که هدف اصلی آن ساختن فرد و جامعه است. بر این اساس، قبل از آنکه تبلیغ کلامی و گفتاری سفارش شود تبلیغ از راه عمل و ترویج روشهای اخلاقی

تأکید شده است. با نگاهی به صحنه واقعیت نیز می توان دریافت که هر یک از ما با مشاهده رفتار و اعمال افراد پیش از گفتار آنها، نسبت به آنها ارزیابی مثبت یا منفی می کنیم. امام صادق (ع) فرموده است:

«كونوا دعاة للناس بالخير بغير السنتكم ليروا منكم الاجتهاد و الصدق و الورع»^۱.

دعوتگر مردم به نیکی با غیر زبانتان باشید تا مردم از شما تلاش و راستی و پاکدامنی را ببینند.

از امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز می خوانیم:

فرد خطارکار را با عمل نیکویت اصلاح کن و با سخن سنجیده ات به نیکی راهنما باش.^۲

مقام معظم رهبری بارها بر این تأکید کرده اند که حاجیان ما بایستی حجاج نمونه و هر کدام یک مبلغ جمهوری اسلامی و تشیع باشند.

حقیقت این است که اگر عمل پیروان مذهبی راستین و حیاتبخش چون تشیع منطبق با آموزه های اصیل آن باشد نیازی به نشر و تبلیغ گفتاری و نوشتاری نخواهد بود. آنچه موجب تاثیرگذاری محدود و اندک فعالیت های ارشادی و فرهنگی در همه عرصه ها می شود عدم پای بندی عملی به گفته ها و عقیده هاست. به عنوان نمونه اگر اعتقاد به توحید مهمترین رکن فکری شیعه است چرا شاهد رفتارهایی

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲- غررالحکم، ۲۳۰۴.

همچون سجده در برابر ضریح ائمه یا تعابیر عبادت گونه برای آنان هستیم. آن هم در حالی که این گونه رفتارها به بهترین دستاویز مخالفان برای متهم کردن شیعیان تبدیل شده است. یا اگر ما به مفاد حدیث ثقلین، پیروی از قرآن و عترت را افتخار خویش می‌شماریم پس چرا کمترین وقت خود را صرف نماز و قراءت قرآن، آن هم در مسجدالحرام و مسجدالنبی می‌کنیم و بیشتر در بازارها پرسه می‌زنیم.

اگر با عمل خویش منادی تفکر ناب شیعی - که همان تفکر اسلام حقیقی است - بودیم و به تعبیر امام زینت او بودیم چه بسا افراد زیادی در اثر همین رفتار به ما تأسی می‌نمودند «کونوا لنا زینا و لاتکونوا شیناً»: زینت ما باشید نه باعث زشتی ما.^۱

نمونه هایی دیگر از رفتارهای منفی:

- خروج یا دور شدن از مساجد در هنگام شروع نماز که با تأکیدات معصومان بر نماز جماعت ناسازگار است.
- بی‌احترامی و احياناً سب و دشنام نسبت به صحابه‌ای که نزد مخاطبان محترم و عادل محسوب می‌شوند و این با راهبرد وحدت منافات دارد.
- عدم رعایت نوبت در برخی مکانها و نظم و مقررات عادی.
- گفت و گوهای طولانی و بی نتیجه به ویژه توسط زنان با فروشندهگان که با عزت و کرامت نفس مسلمان

منافات دارد.

- ترحیح دادن خرید و صحبت‌های بی فایده بر نماز و دعا و قرائت قرآن.

- پافشاری بر انجام اعمال غیر واجب به ویژه در شرایطی که موجب اذیت دیگران یا برانگیختن حساسیت آنان می شود. مثل نماز پشت مقام ابراهیم در هنگام ازدحام و یا دعا خواندن با صدای بلند.

فصل سوم:

روشها و ابزارهای تفاهم:

برای ایجاد ارتباط و تحکیم آنها و سپس تبادل نظر عمیق و مؤثر در مباحث مختلف، ابزارها و روشهای کارآمد لازم است. قرآن به اتخاذ حکمت و موعظه و جدال احسن به عنوان روشهای مؤثر دستور می فرماید:

﴿ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن﴾.

بخوان به سوی راه پروردگارت به وسیله حکمت و اندرز نیکو و با آنها به بهترین روش جدال کن.

- نخستین و کارآمدترین روش برای اثربخشی ارتباط و گفت و گو، رعایت حسن خلق و روی خوش و نرمخویی در برابر مخاطب و جلوگیری از ایجاد تنش و حساسیت و نفرت در بحث است که البته با تمرین و تکرار حاصل می شود. البته این خوشرویی و مهربانی ﴿وقولوا للناس حسناً﴾ باید همراه با مباحثه جدی و هدفدار باشد ﴿وقولوا قولاً سدیداً﴾. موارد بسیاری از برخوردهای مهربانانه پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله) و ائمه هدی در سیره تابناکشان روایت شده که موجب تغییرنگرش مخاطب نسبت به این بزرگواران شده

است. تجربه موسم حج هم نشان می دهد که با توجه به آمادگی روحی زائران و فضای معنوی موجود، مهرورزی و خوشرویی به همراه دلسوزی و همراهی عملی درکارها بهترین زمینه و عامل برای تاثیرگذاری بر مسلمانان می باشد. از توجه ظاهری و سلام و احوالپرسی و مصافحه تا جادادن برای نماز و رعایت حال افراد مسن و مقدم داشتن دیگران در رفت و آمدها و رعایت صفوف و دادن هدیه و استقبال و بدرقه و موارد بسیار دیگر.

- **دومین روش یا ابزار**، استفاده از آیات قرآنی به ویژه جملات کوتاه از قرآن در مورد مناسب است که اگر همراه با قرائت صحیح و احترام آمیز آیه یعنی با «اعوذ بالله» و در آخر «صدق الله» باشد به فضای گفت و گو لطف و آرامش و تقدس می بخشد و تفاهم را نزدیک می سازد. حفظ تعدادی از آیات متناسب با موضوعات در ایام قبل از موسم می تواند کارگشا باشد که برخی از آنها در این نوشتار خواهد آمد. مطمئن باشید که کاربرد حتی یک جمله صحیح از قرآن می تواند شما را از بحثهای طولانی بی نیاز کند. مثلاً وقتی در بحث چگونگی رابطه مسلمین با کشورهای غربی به آیات: ﴿محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم﴾ و آیه - ﴿لن ترضی عنک الیهود و لا النصراری حتی تتبع ملتهم﴾ اشاره کنید مقدار زیادی از بحث به نتیجه رسیده است.

- **سومین روش و ابزار** کاربرد روایات معتبر از پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه (علیهم السلام) است که در موضوعات ریز به محتوای مباحث غنا می بخشد و استدلال

شما را تقویت می کند. مثلاً دانستن روایت مربوط به گریه کردن پیامبر قبر مادر بزرگوارش؛ می تواند شبهه ای را از ذهن مخاطب پاک کند. البته اگر ذکر روایت همراه با اشاره به منبع آن باشد بسیار مؤثرتر است. به ویژه اگر از کتب مورد قبول آنان باشد. در ادامه بحث روایاتی از کتب صحاح و معتبر اهل سنت خواهیم آورد.

- چهارمین روش، شروع گفت و گو از موضوعات مشترک و مورد قبول طرفین است که با ایجاد فضای همراهی و همفکری، نتیجه بخشی مباحثه را بیشتر می کند. همانگونه که مبلغ بزرگ اسلام، نبی اعظم (صلی الله علیه وآله) با کلمه سواء شروع می کرد:

﴿تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم﴾ (آل عمران - ۶۴)

بیاید گرد یک سخن مشترک بین ما و شما جمع شویم. لازم نیست موضوعات مشترک بین شما و مخاطبان الزاماً عقیدتی باشد بلکه می تواند دغدغه های مشترک، شغل مشترک (مثل بحث دو نفر دانشجو درباره وضع تحصیلی و تحقیق در کشورهاشان) یا مشکلات جامعه دو طرف یا بررسی مواضع دشمنان مشترک باشد. یعنی موضوعی که گفت و گوی چنددقیقه ای درباره آن زمینه ساز نزدیک شدن دیدگاهها و انجام مباحث جدی تر بعدی باشد.

- پنجمین روش، انتخاب سوژه ها و فرصتهای مناسب جهت شروع ارتباط گفت و گو است. بهانه هایی برای ارتباط همچون پرسش از کشور و تابعیت مخاطب، سؤال درباره چیزی در پیرامون، مثل معماری مساجد یا کتیبه های نام صحابه در مسجدالنبی، اشاره به انبوه و عظمت جمعیت

طواف کنندگان، سؤال از ترجمه آیه ای از قرآن یا در خصوص نحوه انجام مناسک و موارد بسیار دیگر.

- روش دیگر، بهره برداری صحیح از اطلاعات مربوط به تعلقات مخاطب از قبیل کشور، مذهب، شخصیت‌های مورد توجه و جغرافیا یا جریانات سیاسی و اجتماعی جامعه او به منظور جلب نظر و اعتماد او در گفت و گو می باشد. به طور قطع اگر شما با اطلاعات مناسب از موارد فوق وارد گفت و گو شوید خواهید توانست ضمن استفاده از دیدگاه‌های مخاطب به تفاهم دلخواه دست یابید و از صرف وقت درباره او احساس پشیمانی نکنید.

نکته مهم در ارتباط با انتخاب روش و استفاده از ابزارها، در نظر گرفتن شرایط ذهنی، روحی و فرهنگی مخاطبان است. تنوع فرهنگی در جهان اسلام ایجاب می کند که مثلاً در برخورد با عربها، عظمت جهان اسلام و ثروت مادی و معنوی جهان عرب گوشزد و سپس بر لزوم وحدت و مباحث دیگر تاکید شود یا در برخورد با کسانی مثل مردم اندونزی و مالزی که ضمن کنجکاوی نسبت به ایران، ذهنشان از شبهه عقیدتی خالی است به مباحث اختلافی عقیدتی نپردازیم و از ایران و تجربه های آن بگوییم، یا در برخورد با افراد کم سواد و کم اطلاع از ذکر مطالب عقیدتی عمیق خودداری کنیم و تنها به پاره ای مباحث عام، ترویجی اما مؤثر در جهت وحدت اسلامی و معرفی اهل بیت اکتفا کنیم. توجه به زمان و فرصت هم در طرح و بیان مباحث مؤثر است که مبحثی را که فرصت پایش نیست مطرح نسازیم.